یادداشت

در باب «عالم خیال» شیخ اشراق

تارا استادآقا
منتقد

شیخ شهاب الدین سهروردی یا شیخ اشراق، بنیان گذار فلسفه اشراق، بحث مفصلی در کتاب «حکمه الاشراق» دارد؛ در باب عالم مثال یا عالم خیال. بحثی که راه گشای بسیاری از نکات عرفان و فلسفه اسلامی و اسرار سیر و سلوک و مکاشفه است. از دیدگاه سهرودی، عوالم هستی به چهار بخش تقسیم می شود. عالم انوار قاهره یا انوار مجرد عقلی که هیچ تعلقی با اجسام ندارند و نور محض هستند؛ فرشتگان مقرب و بندگان مخلص، جزو این دسته اند. انوار مدبره که شامل انوار مدبره اسفهبُدی فلکی و انسانی است. عالم سوم یا عالم دو برزخ که همان عالم حس است و عالم چهارم، عالم مثال. سالک بعد از رفع حجب مادی، می تواند حقایق جهان هستی را در عالم مثال کشف کند و بعد از آن به عالم ارواح، اسماء و صفات راه یابد. همه مکاشفات و الهاماتی که در مسیر کشف برای سالک رخ می دهد، از جمله طی طریق، اشراف بر ضمائر، آگاهی از اخبار غیبی، راه رفتن روی آب، آتش و هوا، رسیدن به سر درونی و کشف ذوات الهی، تجسد ارواح (ارواحی که جسم می پذیرند)، تروح اجساد (افراد انسانی که کالبد برزخی می گیرند)، همه در عالم مثال رخ می دهد. جلوه هایی از عالم مثال در زندگی مادی ما نیز وجود دارد. خواب (عالم رؤیا)، خیال (تخیلات، خاطرات) و آینه، جلوه هائی از عالم مثال در زندگی مادی ما هستند. صوری که در آینه و خیال مشاهده می شوند، صور معلقه ای هستند که محل و مکان مشخصی ندارند. این صور، در اذهان موجود نیستند؛ چرا که انطباع کبیر در صغیر ناممکن است. در اعیان نیز موجود نیستند چرا که اگر عینی بودند، مانند اجسام و اشیاء مادی با حواس مادی رؤیت می شدند و قوانین و احکام موجودات مادی، بر آنها صادق بود. این صور، جزء عالم عقول نیز محسوب نمی شوند؛ چرا که مجرد محض نیستند و دارای ابعاد و شکل و اندازه هستند. عدم محض نیز نیستند چرا که اگر چنین بود متصور نمی‌شدند؛ پس به ناچار این صور باید در ناحیه ای دیگر موجود باشند و این ناحیه، همان عالم مثال است که واسطه ای میان دو عالم عقل و حس است. مرتبه وجودی آن، از عالم حس برتر و از عالم عقل پایین تر است. همان طور که ما برای درک جهان مادی، از حواس پنجگانه و قوای باطنی استفاده می کنیم، برای درک این عالم نیز، نیاز به ابزاری داریم برای درک موضوعات و حوادثی که در آن رخ می‌دهد.ابزار درک عالم مثال، «خیال فعال» یا «تخیل فعال»است. ملاصدرا، این قوه را منفصل از جسم و کالبد مادی می داند. در نتیجه پس از مرگ و فنای جسم، این قوه باقی می ماند. قوه خیال، کارش صورت‌گیری و عکس‌برداری از واقعیات است. چه واقعیات بیرونی و چه درونی (نفسانی). این قوه، به خودی خود نمی تواند تصوری تولید کند و باید با واقعیات تماس پیدا کند. قوه خیال، شعبه ای از قوای نفس است و تبدیل کننده ی علم حضوری[1] به حصولی[2] است. از ویژگی های عالم مثال، تضاد ذاتی و عدم قطعیت است. خیال، از قانون این یا آن تبعیت نمی‌کند و موضوعات متضاد، می توانند در کنار هم مسالمت‌آمیز زندگی کنند. داریوش شایگان در تعریف عالم مثال می گوید:

«مکان اسرارآمیزی آن سوی کوه قاف است که در نقشه‌های جغرافیایی بشر نشانی از آن نیست، این منطقه از جایی آغاز می شود که مختصات جغرافیایی مبادان راه ندارد. مکانی بیرون از مکان، مکانی در لامکان که جایی ندارد.»کوه قاف را همان کوه البرز شمرده اند. بعضی مفسرین «ق» را در آیه «ق والقران و المجید» همان کوه قاف دانسته اند و در وصف آن نوشته اند، کوهی است که گرداگرد عالم را فراگرفته و از زمرد یا زبرجد است. پیامبر اکرم (ص) در معراج خود به همراهی جبرئیل آن را می بیند و کبودی آسمان از تابش روشنائی آن است. شهرهای «جابُلقا و جابُرسا و هَوَرقَلیا» در این عالم قرار دارند. از دیگر عجایب عالم مثال، وجود درخت طوبی است. هر میوه ای که در جهان است بر این درخت وجود دارد و اگر این درخت نبود، هیچ میوه و گیاهی روی زمین وجود نداشت. سیمرغ، بر این درخت آشیان دارد و وقتی بر فراز زمین پرواز می کند، از اثر پر او، میوه و نباتات بر زمین می روید. معنی درخت طوبی در ارتباط با گوهر شب افروز روشن می شود، که در کوه سوم از کوه های قاف است و از وجود او شب تاریک روشن می شود و روشنی از درخت طوبی می-گیرد. وصفی که سهروردی از گوهر شب افروز و حالات او نسبت به درخت طوبی می کند و مقدار نوری که از درخت طوبی در حالات مختلف می گیرد، شکی در اینکه منظور او از گوهر شب افروز، ماه است باقی نمی گذارد. حالات ماه از نظر گرفتن نور خورشید که همان حالات هلال و تربیع و بدر و محاق است، همان حالاتی است که گوهر شب‌افروز نسبت به درخت طوبی پیدا می کند.

پی نوشت:

۱-علمی که واقعیت معلوم و عین در آن یکی است و بدون وساطت تصویر ذهنی ادراک میشود. مثل وقتی که اراده میکنیم کاری را انجام دهیم.

۲- علمی که در آن واقعیت علم و معلوم دوتاست. واقعیت علم، تصویری است که در ذهن ما وجود دارد و واقعیت معلوم، ذاتی است خارج از وجود ما. مثل وقتی که میخواهیم چهره کسی را به خاطر بیاوریم.

علیرضا رفوگران، هنرمند نقاش در گفت‌وگو با «همدلی»:

هنر چیزی ورای ایسم‌ها، اسلوب‌ها و ژانرها است

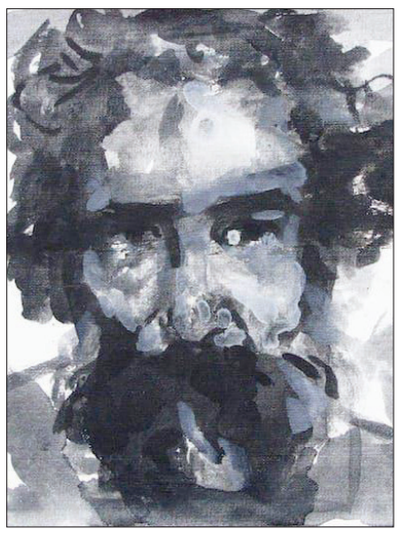

روژا پیران ــ هنرهای تجسمی ایران چندسالی است که بیش از گذشته در مرکز توجه و نگاه‌ها قرار گرفته است که در این خصوص نقش نمایشگاه‌های پرشمار و حراج هایی که در طی این مدت برپا شده و علاوه بر مخاطب داخلی توانسته هنر ایران در بیرون از مرزهای ایران بشناساند و نشان دهد که هنر مدرن ایران همچنان پویاست و رو به جلو حرکت می‌کند نباید نادیده انگاشت که به شکلی توانست اقتصاد هنر را اعتلا بخشد و هنرمندان تجسمی را نسبت به آینده حرفه‌شان امیدوار کند. با این حال نباید از نظر دور داشت که ورود پول و سرمایه به عرصه هنر همواره همچون تیغی دولبه است و در عین آن‌که ثمرات مثبت بی‌شماری دارد می‌تواند زمینه را برای دلالی و واسطه‌گری مهیا کند و از سوی دیگر با قیمت‌گذاری روی آثار به‌شکلی باعث کالایی شدن هنر شود.

به هر حال آنچه مسلم است حضور چشمگیر هنرمندان تجسمی در فضای امروز هنر ایران است. در این میان هستند هنرمندان جوانی که بدون توجه به این مسائل و بدون هیچ حسای‌گری تنها به هنرشان می‌اندیشند و سعی دارند با خلق تجربه‌های تازه بجای تامین آینده اقتصادی هنرشان به آینده هنر این سرزمین یاری رسانند. روزنامه «همدلی» سعی دارد از این پس با ارتباطی تنگاتنگ با هنرمندان این حوزه نسبت به نمایشگاه‌هایی که ماهانه برگزار می‌شود اطلاع‌رسانی کند و به گفت‌وگو با هنرمندان این عرصه‌بنشیند.

این روزها گالری هرندی میزبان آثاری از علیرضا رفوگران با عنوان «خود ـ آ» است. رفوگران در اغلب نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی که تاکنون برگزار کرده است، توانسته آثاری متفاوت و خلاقانه را در معرض نگاه و قضاوت مخاطبان قرار دهد و با خلق تجربه‌های نو سبک و اسلوب‌های متفاوت این هنر را بیازماید. گفتنی است علاقمندان برای تماشای آثار او در این نمایشگاه می‌توانند به گالری هرندی به آدرس دروس، خیابان وارسته، کوچه مشایخی، پلاک ۱۱ مراجعه کنند. در همین زمینه به گفت‌وگو با این هنرمند نشستیم تا از نگاه و تجربه‌هایش در عرصه نقاشی برای‌مان بگوید، گفت‌وگویی که در ادامه از نظرتان می‌گذرد.

از نخستین مواجه تان با نقاشی بگویید؟ از چه زمانی نقاشی به‌عنوان حرفه‌ای جدی برای‌تان مطرح شد؟

می‌توانم بگویم که از سال ۱۳۷۹ هنر نقاشی برایم جدی شد. با اینکه قبل از آن هم جریاناتی وجود داشت اما به لحاظ حرفه‌ای از همین تاریخ بود که نگاهی جدی‌تر پیدا کردم. به جهاد دانشگاهی اصفهان رفتم و بعد دانشگاه زاهدان که انتقالی گرفتم برای دانشگاه هنر تهران و در دانشکده هنرهای زیبا هم فوق‌لیسانس خواندم. می‌توانم بگویم این پروسه‌ای بود که نقاشی به مهمترین کار و دل‌مشغولی‌ام تبدیل شد.

فضای آکادمیک چقدر روی شما تاثیر داشت؟ با این فرض که برخی معتقدند هنر سازوکاری درونی و خودانگیخته دارد.

انگیزه من این بود که هنر را ادامه بدهم برایم فرقی نمی‌کرد که کجا باشم. از همان ایام به‌دنبال هنرمندان و نام‌های بزرگ این عرصه بودم و مثلا مترصد بودم تا در بزرگ‌داشت‌هایشان در شهرهای مختلف شرکت کنم. برایم فرقی نمی‌کرد که به دانشگاه بروم. همین امروز هم همان عشق و علاقه را درون خود احساس می‌کنم، مثلا در حال حاضر هم می‌روم به آتلیه علی‌اکبر صادقی و با این هنرمند لحظاتی را می‌گذرانم که برایم بینهایت لذت‌بخش است. با این همه فضای آکادمیک بستری را برای نزدیکی با اساتید ایجاد می‌کند، در دانشگاه علاوه بر جمع‌ها و محافل دانشجویی می‌شود ارتباط خوبی با هنرمندان قدیمی و نامدار ایجاد کرد. تجربه دانشگاه برای من این‌گونه بود.

در پاسخ به سوال شما باید بگویم که پایان‌نامه فوق‌لیسانسم درباره خودآموختگی بود. نه اینکه بگویم در مقابل آموزش آکادمیک هستم، ولی خیلی درگیر فضای آکادمیک نشدم. یادم نمی آید که از چه کسی چه چیزی یاد گرفتم! البته شاید همه هنرمندان چنین ادعایی داشته باشند و تا حدی هم درست است. چرا که هنرمند چیزی را که خود می‌خواهد دریافت می‌کند. خوبی هنر همین است که کسی نمی‌تواند چیزی را به کسی تحمیل کند. دانشگاه هم این حسن را داشت که یک سری آدم دور هم جمع شده بودند و این مهم بود. اما اینکه چه چیزی یاد می‌دادند، اگر صریح و صادقانه بگویم خیلی دندان‌گیر نبود.

می‌توانید از هنرمندانی که آثارشان روی کار شما تاثیر گذارد، نام ببرید؟

جواد حمیدی موثرترین آدم زندگی من است، علی اکبر صادقی، آیدین آغداشلو، آیت‌اللهی، ابراهیم جعفری، فرشید ملکی و.. اینها را خیلی دوست دارم. به همایون سلیمی هم خیلی ارادت دارم. چند آدم جوان هم بودند که شاید الان اسم و رسمی نداشته باشند ولی در زندگی من بسیار موثر بودند. علیرضا طیاری که ایشان اولین استاد طراحی من بودند و وامدارش هستم و حق استادی بر گردن من دارد. با همه اینها دوست هستم و در طی این سال‌ها خیلی به‌دنبال آرتیست‌ها و هنرمندانی که نقاشی ایران وامدار ایران است، بودم تا از آنها بیاموزم.

مجموع آثار شما در نمایشگاه «خود ـ آ» فضایی رئالیستی دارد. اگر ممکن است در مورد حال و هوای آثاری که در این نمایشگاه روی دیوار برده‌اید، توضیح دهید؟

خود ـ آ مجموعه‌ای است که سه سال روی آن کار کردم. اصولا در حوزه تجسمی مدیا برایم فرق چندانی نمی‌کند. اینکه قالب چقدر به دردم بخورد برایم مهم است و خیلی از قالب‌ها را امتحان کردم. تا به امروز به‌شکلی جدی در دو سه ژانر و اسلوب کار کردم که همه را با هم پیش می‌برم. نمی‌دانم خوب است یا بد، ولی خودم این‌گونه می‌پسندم. با این همه نگاه ناقدان و مخاطبان و حتی دوستانم به سبک کارم خیلی متفاوت است. بعضی‌ها قبولش دارند و بعضی‌ها نه، ولی برای من فرقی نمی‌کند. من کار خودم را می‌کنم و بسته به آن زبان و بیانی که در لحظه به آن احتیاج پیدا کنم، همان قالب را برمی‌گزینم. قالب برایم خیلی جدی نیست.

هنر را چیزی ورای ایسم‌ها و اسلوب‌ها و ژانرها می‌دانم. مثلا در اکثر نمایشگاه‌هایم خیلی کارهای مختلف می‌کنم. حتی قرار بود در همین نمایشگاه فعلی پرفورمنس داشته باشیم که به موقع نرسید. در مورد پرتره‌های خودم نیز می‌توانم بگویم که برخلاف دیگر نقاشان ابدا در این زمنیه کار نکردم و مایل نبودم پرتره کار کنم، با گذشت زمان خواستم آن را بیازمایم که به‌شدت من را درگیر کرد و تبدیل به یک پروژه شد. با این همه در این مجموعه به‌رغم آنکه اتوپرتره است، اما دیدم که نمی‌توانم جلوی آینه بنشینم و خودم را بکشم. معتقدم من خودم تنها نیستم، آدم بغل‌دستی، دوستان و نزدیکان و آشنایان، عادات اجتماعی و همه آنچه بیرون من است در آنچه به‌عنوان خود می‌شناسم دخیل است.

برای همین دوست نداشتم که خودم را به تنهایی روی بوم بنشانم و مثلا در موقعیت‌های گوناگون و در وضعیت‌های نوری مختلف خودم را ثبت کنم، بلکه درون‌مایگی و بیان را ترجیح می‌دادم. قطعا فرم و جلد بیرونی اثر اهمیت دارد، ولی در کل ترجیحم این بود که در بستر شرایط اجتماعی و روابط انسانی خودم را چک کنم. این‌گونه بود که این مجموعه شکل گرفت که همه چیز در آن وجود دارد؛ از نقاشی به روش سنتی در آینه گرفته تا نقاشی به سبک جدید و منابع تصویری نو. اینها دست به دست هم داد و من را کمی برای خودم روشن‌تر کرد که کیستم و کجا ایستاده‌ام.

این مجموعه قرار است ادامه داشته باشد؟

واقعا هنوز نمی‌دانم. بعضی از پروژه‌های من ادامه دارند و بعضی‌ها متوقف می‌شوند و یا در پروژه‌های دیگر ادامه پیدا می‌کنند.

فضای غالب نقاشی امروز معمولا انتزاعی و ذهنی است. تعبیر من این است که فضای انتزاعی این اجازه را می‌دهد که دست ناتوان هنرمند پشتش پنهان شود. نظر شما چیست؟

درست است. معتقدم نقاش‌ها ناچاراً این روزها به‌خاطر وضعیت به هم ریخته اقتصادی که داریم، خیلی توانمند نمی‌شوند و سعی دارند سریع به بازار کار راه پیدا کنند. همین باعث می‌شود خیلی عجله کنند و ترفندهایی در سبک و الگو بزنند. مثلا الان اگر نقاشی، فیگوراتیو کار می‌کند آنقدر المان‌های جور واجور وسط می‌آورد که چشم گم می‌کند. فضا هم فضایی به‌شدت محتاط و خنثی است که مبادا یک جایی لنگ بزند. رنگ هم اصلا در این دست کارها نیست. در واقع آثار اینان یک سری المان و موتیف است که تکرار می‌شود. حرف شما را کاملا قبول دارم. این نقاشان، از حقیقت و آن هنر فاصله گرفته‌اند و به‌نظر این قبیل کار اطواری بیش نیست. هم هنرمند می‌داند اطوار است، هم گالری‌دار، هم مخاطب و هم منتقد.

فضای کنونی اقتصاد هنر و وجود واسطه‌ها و دلال‌های آثار هنری باعث شده که هنر نقاشی به «کالا» فرو کاسته شود، هرچند ورود سرمایه به هنر ماهیتا چیز بدی نیست، اما برخورد اقتصادی با هنر تیغ دولبه است، هم می‌تواند باعث بهبود وضعیت هنر و هنرمندان شود و فضا را حرفه‌ای‌تر کند و هم می‌تواند باعث افت کیفیت هنر شده و آن را عوامانه و عوام‌زده کند. تحلیل شما چیست؟

در این بحث دوست دارم از زاویه‌ای دیگر به نکته‌ای اشاره کنم. یکی از آسیب‌های این مسئله خروج آثار از کشور است. امروزه بسیاری از هنرمندان آثارشان در دست مجموعه‌دارانی که اغلب خارج نشینند جمع شده است و شما به عنوان یک هنرمند یا دوستدار هنر این امکان را ندارید که به‌شکلی ملموس آثار را ببینید. اگر همین الان بخواهید کاری از رضا عباسی را ببینید جز چند کار، چیز دیگری از او نمی‌یابید. تازه این در مورد رضا عباسی است که برایش موزه ساخته‌اند. خارجی‌ها همه را خریده‌اند. فکر می‌کنم اینها به فرهنگ ما لطمه می‌زند. من به عنوان کسی که در این حیطه کار می‌کند باید بتوانم گذشته هنرم را ببینم و با تجربه‌آموزی از آنان و به اتکای هنر گذشته‌ام در پی خلق تجربه‌های تازه باشم..امری که امکانش وجود ندارد.

آثاری که به‌جای مرمت تخریب شدند

یکی از معضلات هنرهای تجسمی، آثاری است که در نهادهای گوناگون به‌شکلی نادرست نگهداری می‌شوند. سوای آثار منحصر به‌فردی که در گنجینه موزه هنرهای معاصر وجود دارد و با تغییر مدیریت در سالیان اخیر تاحدی نسبت به نگهداری آنان امنیت‌خاطر ایجاد شده است، با این همه در برخی نهادهای دیگر همچنان این نگرانی وجود دارد که وضعیت فعلی آثار چگونه است.

در همین زمینه چندی پیش انتشار تصاویری از تابلوی «سردار اسعد بختیاری» یکی از مهم‌ترین تابلوهای کمال‌الملک که در موزه مجلس نگهداری می‌شود و صدمات وارده به اثر در هنگام مرمت آن؛ با واکنش هنرمندان روبرو شد. گرچه این اتفاق مربوط به امروز نیست و حدود ۶ الی ۷ سال پیش که این تابلو توسط گروهی به سرپرستی حسینعلی جعفریان مرمت شد؛ رخ داد اما نارضایتی‌هایی از مرمت تابلو تا امروز ادامه یافته است.

تصاویری از قبل و بعد از مرمت تابلو

مدیر بخش مرمت کتابخانه مجلس، آن زمان درباره مرمت این اثر گفته بود: «در مرمت تابلوهای نقاشی تا حد امکان عمل آسترگیری (تقویت پشت اثر توسط یک لایه محافظ مثل پارچه) انجام نمی‌شود و متاسفانه به خصوص در مواردی که ابعاد تابلوها بزرگ است، پارچه‌ای که روی آن نقاشی کشیده شده توان قرارگیری دوباره روی کلاف خود را نداشته؛ بنابراین نیاز مبرمی به تقویت تکیه‌گاه نقاشی احساس می‌شود. مخصوصا وقتی بزرگی ابعاد موجب دل دادن تابلو (در این حالت تابلو صاف و قرص روی چارچوب سوار نیست) و عدم ایستایی مناسب می‌شود.» او با اظهار خشنودی از پایان یافتن مرمت این اثر، ضمن اشاره به «نگرانی‌ها و استرس‌های ناشی از انجام با کیفیت مرمت این اثر نفیس» از عملکرد تیم مرمت اعلام رضایت کرده بود.

اما امروز؛ پس از گذشت چند سال؛ پخش تصاویری از قبل و بعد از مرمت این تابلو و دیگر آثار کمال‌الملک که در مرکز اسناد و موزه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود؛ بازهم موجی از نارضایتی‌ها را در جامعه هنری کشور به همراه داشته است. پس از پیگیری‌های فراوان؛ کمیته ارزیابی و کارشناسی آثار هنری انجمن هنرمندان نقاش ایران چهارشنبه (۲۷ مرداد) از این موزه بازدید کرد.

آسیب‌های وارده به تابلوی فاخر سردار اسعد

منیژه صحی (سخنگو و رئیس کمیته ارزیابی و کارشناسی آثار هنری انجمن هنرمندان نقاش) درباره این بازدید که توسط تعدادی از اعضای این انجمن از کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی با هدف بررسی کیفیت مرمت تابلوی سردار اسعدبختیاری اثر فاخر کمال‌الملک انجام شد؛ به ایلنا گفت: «پس از اطلاع از آسیب‌های وارده به تابلوی فاخر سردار اسعد بختیاری در حین مرمت؛ نامه‌ای به موزه، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ارسال کردیم و خواستار بازدید از این موزه شدیم.»او ادامه داد: «روز چهارشنبه مورخ ۲۷ مردادماه به همراه گروهی متشکل از سه نفر از اعضای شورای کمیته ارزشیابی انجمن شامل؛ منیژه صحی، شهناز زهتاب، امیرهوشنگ ادویی؛ نعمت‌الله کیکاووسی (کارشناس هنری آثار کلاسیک)، مرتضی شکوهی (مدیرکل امور مجلس، معاونت حقوقی مجلس و استان‌های سازمان میراث فرهنگی)، اسدالله درویش‌امیری (معاون سازمان میراث فرهنگی) و مهران صادقی برای بازدید از این موزه به مرکز اسناد رفتیم.»

۱۵ تابلو مرمت شده و آسیب دیده‌اند

سخنگوی انجمن هنرمندان نقاش با بیان اینکه متاسفانه تابلوی سردار اسعد بختیاری آسیب جدی دیده، گفت: «با بررسی‌های انجام شده و بازبینی تابلو مشخص شد، این اثر چندین بار مرمت شده و در مرمت آخر که با نظارت حسین‌علی جعفریان و اجرای محسن قانونی در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ انجام شده، سه لایه ورنی آن برداشته شده و لایه‌های چین خورده کشیده شده و باعث پارگی اثر شده، در کنار سر و شانه سردار اسعد در حین مرمت نیز رنگ در چند قسمت ناشیانه گذاشته شده و همچنین فرش زیر پای سردار اسعد تغییر رنگ داده؛ مات و کدر شده و در بعضی قسمت‌ها نیز مخدوش شده است.»

رئیس کمیته ارزیابی و کارشناسی آثار هنری انجمن هنرمندان نقاش ادامه داد: «حدود ۱۵ تابلو در این مرکز مرمت شده‌اند که پس از مرمت؛ آسیب دیده‌اند و برای اینکه آسیب‌دیدگی آثار دقیقا مشخص شود باید آثار تک به تک از روی دیوار پایین آمده و از نزدیک و با نور لازم و ابزار مخصوص کاملا بررسی شوند تا میزان خسارات وارده تعیین شود.»به گفته کارشناسان؛ قیمت تابلوی سردار اسعد بختیاری اثر استاد کمال الملک، دارای تکنیک رنگ روغن روی کرباس، اندازه ۱۸۱x۱۳۱ سانتی‌متر است که در تاریخ ۱۳۲۸ ه.ق ۱۲۸۹ه.ش،۱۹۱۰ م خلق شده‌است؛ بیش از ده میلیارد برآورد شده و این مرمت نادرست قیمت این اثر را تا ۱۰۰ میلیون پایین آورده است.

خبر

مهمانی دو روزه موسیقی اقوام ایرانی

بخشی از آیین‌ها و موسیقی ایران در مناطق مختلف که توسط قالیبافان زمزمه می‌شد و بخشی از تاریخ شفاهی کشور است، توسط گروه‌های موسیقی اقوام به اجرا درمی‌آید. به نقل از روابط عمومی این رویداد، گروه‌های موسیقی اقوام ایرانی به مدت دو روز اجراهای مختلفی را در حاشیه برگزاری نمایشگاه فرش در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران و در روزهای چهارم و پنجم شهریور روی صحنه می‌برند و علاقه‌مندان می‌توانند به‌صورت رایگان به تماشای این اجراها بنشینند.

گروه «آوای موج» از بوشهر موسیقی تلفیقی بوشهر و هرمزگان را اجرا می‌کند. همچنین گروه «داغلار» از آذربایجان علاوه بر اجرای رپرتوار موسیقی منطقه، حرکات آیینی محلی را نیز اجرا خواهد کرد. در این بخش هر گروه موسیقی به مدت ۴۰ دقیقه کنسرت اجرا می‌کند، در فاصله این اجراها، هنرمندان نواحی به تکنوازی می‌پردازند.

بخش ویژه قالی‌بافی این برنامه به اجرای ترانه‌های قالی‌بافی ایل بختیاری توسط گروه «ترنج» (ترنج نام یکی از نقش‌های معروف قالی‌های بختیاری است) اختصاص دارد. این گروه به اجرای نغمه‌های قالی‌بافی می‌پردازد که به‌صورت میدانی در سالن‌های مختلف نمایشگاه فرش اجرا خواهد شد. بخشی از این اجراها نیز مربوط به حرکات آیینی است که گروه نواحی لرستان در آن به سولونوازی، اجرای دُهل، حرکات آیینی و موسیقی لری خواهد پرداخت.

اجراهای موسیقی اقوام ایرانی به مدت دو روز چهارم و پنجم شهریورماه جاری در حاشیه نمایشگاه فرش و در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران پذیرای دوستداران این موسیقی خواهد بود.

«شور آواز» در تالار وحدت

ارکستر و کُر «بل کانتو» به رهبری نیما پناهی‌ها هفتم شهریورماه در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. به نقل از روابط عمومی بنیاد رودکی، این اجرا از برجسته‌ترین اُپراهای ایتالیایی در شب «شور آواز» است. همچنین «شور آواز» عنوان پروژه دیگری از بل کانتو است که براساس شور و اشتیاق مخاطبان و نیز جذابیت اجرای اُپراهای ایتالیایی به این عنوان نامگذاری شده است.

در این اجرا، فراز عقیلی (پیانیست)، مونیکا لران (کنسرت مایستر)، امین عطایی (نوازنده ویولن)، پژمان اختیاری (نوازنده ویولا)، نگار نوراد (نوازنده ویولنسل)، پروانه انارکی (نوازنده کنترباس) و نیز پریسا دلفانی (خواننده سوپرانو)، مرتضی اکبرزاده غلامی (خواننده تنور)، محمد حقیقی (خواننده باس) و همچنین دیگر خوانندگان آواز در کُر بل کانتو به هنرنمایی می‌پردازند. اجرای ارکستر و کُر بل کانتو با عنوان «شور آواز» هفتم شهریورماه در تالار وحدت برگزار خواهد شد.

اولین کنسرت گروه «سه نقطه»

گروه راک «سه نقطه» که تیرماه امسال آلبوم موسیقی «جایی برای همیشه» را منتشر کرد، دوشنبه ۲۹ شهریور ماه در فرهنگسرای نیاوران به صحنه می‌رود. در این کنسرت آرش رستمی خواننده و نوازنده گیتار آکوستیک به همراه کیان شمس نوازنده گیتار الکتریک، عطا تاسه نوازنده گیتار بیس، روزبه اسماعیلی درامز و سروش اعتصامی گیتار الکتریک قطعاتی از آلبوم جدید خود را برای مخاطبان اجرا خواهند کرد.

آلبوم «جایی برای همیشه» اولین آلبوم گروه آلترنیتیو راک «سه نقطه» است. آلترنیتیو در کلمه به معنای «جایگزین» است و آلترنیتیو راک، شاخه‌ای از راک است که در دهه ۸۰ میلادی با تأثیر از punk rock شکل گرفت و در دهه ۹۰ کاملاً شناخته شد و جایگزین راک کلاسیکی شد که آن دوران در جامعه جریان داشت. این آلبوم شامل ۱۰ قطعه موسیقی با عناوینی چون تو، دیوار، صورت‌های سرد، دور شو، جایی برای همیشه، همسایه من، جاذبه، پژواک، دوباره است.

برپایی بازار هنر در خانه هنرمندان

بازار هنر ۵ تا ۱۰ شهریور در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. در راستای ترویج فرهنگ خرید اثر هنری توسط مردم، مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر، بازار آثار هنری را ۵ تا ۱۰ شهریور در خانه هنرمندان ایران برگزار می کند.

سایت بازار هنر ایران جهت اعلام فراخوان عمومی و به عنوان مرجع رسمی اطلاع رسانی بازار آثار هنری، در تاریخ اول خرداد ۱۳۹۵ راه‌اندازی شد که تمامی هنرمندان سراسر کشور می‌توانستند ۱۰ اثر در رشته‌های نقاشی، نگارگری، نقاشی‌خط، تصویرسازی، مجسمه، سرامیک هنری و عکاسی را در سایت ثبت کنند. پس از ۶۵ روز، سایت طبق برنامه زمان‌بندی مندرج در فراخوان، بسته شد و ۹۱۹۵ اثر از ۱۶۰۷ نفر، جهت انتخاب دریافت شد. پس از چندین مرحله بازبینی آثار، تعداد ۱۲۰۰ اثر از ۴۴۰ نفر انتخاب و جهت تحویل اصل آثار به دبیرخانه هنری، ظرف مدت دو هفته، اطلاع رسانی شد.